

## تحلیل درصد بهره‌مندی تفاسیر قرآن از روایات اهل‌بیت<sup>(ع)</sup>

امیرحسین بانکی‌پورفرد<sup>۱</sup>، نرگس خوشبخت<sup>۲</sup>

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۶/۸/۴ - تاریخ پذیرش مقاله: ۹۶/۱۲/۱۶)

### چکیده

تولید علم به جای توزیع علم، در گرو تعیین مرزهای دانش در موضوع مورد پژوهش است. در زمینه روایات تفسیری نیز ابتدا باید وضعیت تفاسیر از لحاظ میزان اقتناع مخاطب و فراوانی روایات استقصاء شده، بررسی شود. پژوهش حاضر پس از مقایسه تفاسیر، با روش تطبیقی - تاریخی به توصیف و تحلیل نتایج به دست آمده می‌پردازد. جامعه آماری این پژوهش شامل ۹۴ تفسیر از تفاسیر موجود در نرم‌افزار جامع‌التفاسیر و تفاسیرهای مهم دیگری چون *البيان*، *الجواهر*، *تسنیم* و *تفسیر اهل‌بیت*<sup>(ع)</sup> است. گزینش این منابع، بر اساس میزان فراوانی روایات و اقتباس سایر منابع از آن‌ها صورت گرفته است. این بررسی به صورت موردی و حول ۱۷۵ آیه از سوره‌های نساء، مائده و آل‌عمران انجام شده است. براساس این بررسی‌ها، دو آسیب مهم روایات تفسیری عبارتند از استقصاء ناقص و نیز پراکندگی روایات تفسیری در منابع روایی به طوری که در بازه مورد مطالعه، تعداد ۵۲۹ روایت جدید از منابع روایی (بیش از ۶۰ درصد کل روایات جدید قرن ۱۵)، توسط پژوهشگر از منابع روایی یافت شد. همچنین حدود ۴۵ درصد از روایات موجود در ذیل آیات، در ۱۱ تفسیر برتر (شیعی و سنی) این تحقیق موجود است.

**کلید واژه‌ها:** اهل‌بیت<sup>(ع)</sup>، تفاسیر روایی، تفسیر، روایات تفسیری، قرآن.

---

۱. استادیار گروه معارف قرآن و اهل‌بیت<sup>(ع)</sup> دانشگاه اصفهان؛ Email: a.bankipoor@ahl.ui.ac.ir  
۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته تفسیر ائری، دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)؛ Email: khosbakhtn@chmail.ir

## ۱. مقدمه

قرآن کتابی مبارک است [انعام: ۱۵۵]؛ برکتی به وسعت همه روزگاران؛ کتابی است که برای تدبیر آمده [ص: ۲۹] و با وجود اینکه با عالمان و اولوالالباب سخن می‌گوید [فصلت: ۳]، هدایتگری‌اش دایره‌ای به وسعت بشریت را در بر می‌گیرد تا جایی که هیچ امری نیست که در قرآن فروگذار شده باشد: «مَا تَرَكَ اللَّهُ شَيْئًا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ الْعِبَادُ حَتَّى لَا يَسْتَطِيعَ عَبْدٌ يَقُولُ لَوْ كَانَ هَذَا أَنْزَلَ فِي الْقُرْآنِ إِلَّا وَقَدْ أَنْزَلَهُ اللَّهُ فِيهِ» [۲۴، ج ۱، ص ۵۹]. بخشی از معارف این آیین تجلی حق، تنها در قلب پاک معصومان<sup>(ع)</sup> جای گرفته و در گفتار و رفتارشان بروز می‌یابد. پیامبر<sup>(ص)</sup> دلیل این امر را چنین بیان می‌فرماید: «هیچ چیز چون فهم و تفسیر قرآن دورتر از اندیشه و فهم مردان نیست. در این موضوع همه مردم سرگردان و حیرانند مگر آنان که خدا بخواهد و دلیل اینکه خداوند قرآن را مبهم و دور از دسترس همگان قرار داده این است که مردم به باب و صراط او مراجعه کنند و او را عبادت نمایند و در فهم سخنش به اطاعت و پیروی از مفسران قرآنش و گویندگان از جانب امرش بپردازند و در استنباط آنچه که از قرآن بدان نیاز دارند به این مفسران و گویندگان مراجعه کنند، نه آنکه از پیش خود به تفسیر قرآن و استنباط از آن بپردازند» [۵، ج ۱، ص ۲۶۸، ح ۳۵۶]. پس برای دستیابی به معارف قرآن، جز تمسک به مفسران واقعی آن، که همان معصومان<sup>(ع)</sup> هستند و بهره‌گیری از سخنان پر نور آن بزرگواران، راهی نیست.

روایات تفسیری بخش قابل توجهی از میراث حدیثی شیعه را تشکیل می‌دهند. تعداد روایات تفسیری در کتاب‌های تفسیر روایی، بر پایه سه موسوعه حدیثی [- تفسیری] بزرگ در میان شیعه و اهل سنت (البرهان، نورالتقلین و الدر المنثور)، حتی با حذف مکررات به بیش از پانزده هزار روایت می‌رسد [۲۹، ص ۳]. با توجه به اهمیت این روایات، تأثیر آن در معرفت‌بخشی آیات قرآن و نیز حجم گسترده آن، ضرورت بحث و بررسی، تحلیل و دسته‌بندی آن‌ها مشخص می‌گردد. از این رو پیشینیان در جمع‌آوری و تنظیم روایات تفسیری، تلاش و کنکاش تحسین‌برانگیزی از خود نشان داده‌اند و آن‌ها را در قالب کتاب‌های تفسیر روایی تدوین نموده‌اند. اصلی‌ترین کتاب‌های تفسیری مربوط به قرن‌های دوم، سوم و چهارم است. پس از آن مفسران با گرایش‌های جدیدی چون تفسیر اجتهادی، عرفانی، علمی، عقلی و... به تدوین کتاب‌های تفسیری همت گماشتند. به همین خاطر، تفسیرهای روایی مهم دیگری مانند الصافی، البرهان و نورالتقلین چند

قرن پس از تفسیرهای روایی اولیه نوشته شدند. اما تفاسیر تدوین شده، جامع و مانع نیستند و روایات تفسیری موجود در این کتاب‌ها، غالباً شامل روایاتی است که در یک نظر معمولی و عرفی، می‌توان آن‌ها را ناظر به آیه دانست، بی‌آنکه لازم باشد در معنا و مفهوم و مراد جدی حدیث کندوکاوی به عمل آید [۲۵، ص ۲۷۵]. این در حالی است که روایات تفسیری، تنها به این‌گونه از روایات محدود نمی‌شود. در اثر غفلت از این امر، با وجود پراکندگی روایات تفسیری در منابع روایی، بسیاری از محورهای آیات قرآن بدون روایت باقی مانده است. از سوی دیگر، در موارد بسیاری سخنان غیر معصوم نیز به عنوان روایت تفسیری در تفاسیر وارد شده است. افزون بر موارد یاد شده، وجود تعداد بالغ بر ۳۵۰ کتاب تفسیر قرآن و حجم بالای روایات مشابه و تکراری در آن‌ها، محقق را از تتبع همه منابع، حتی با استفاده از نرم‌افزار خسته می‌کند.

به همین دلیل در عصر حاضر، عده‌ای از نویسندگان به گردآوری روایات تفسیری موجود در این کتاب‌ها و دسته‌بندی آن‌ها اقدام کردند. از جمله کتاب *التفسیر الاثری الجامع* تألیف آیت‌الله محمدهادی معرفت که با روش مقارنه‌ای، تقریبی و تطبیقی، برای اولین بار به جمع‌آوری احادیث فریقین و نقد و بررسی آن‌ها پرداخت و به همین دلیل در نوع خود بی‌سابقه است [۱۲، ص ۱۱۰]. اما روایات این کتاب اعم از روایات پیامبر<sup>(ص)</sup>، اهل‌بیت<sup>(ع)</sup>، صحابه و تابعان است [۱۲، ص ۱۰۹]. همچنین برخی از فراهای آیات، بی‌روایت مانده‌اند [۱۲، ص ۱۳۲]. کتاب *الجواهر فی تفسیر القرآن* تألیف علی عاشور به جمع‌آوری روایات تفسیری شیعه پرداخته و در موارد کمی نیز دست به گزینش روایت از منابع روایی زده است. اما منبع مذکور نیز به تصریح خود مؤلف، جامع و منعکس کننده نظر اهل‌بیت<sup>(ع)</sup> نیست و تنها جمع‌آوری روایات موجود - از منابع تفسیر روایی شیعه - است [۱۶، ج، ص ۶].

در چند ساله اخیر، تلاش برای کشف روایات تفسیری جدید از منابع روایی گسترده‌تر شد. آقای مسعودی در مقاله «تفسیر روایی به روایت دیگر»، با نقد شیوه مرسوم تفسیر روایی - از جنبه تمامیت این شیوه، قابلیت احتجاج و کاشفیت از نظر معصوم<sup>(ع)</sup> در مورد موضوعی خاص - و اثبات ضعف آن، با ارائه چند مثال شیوه جدیدی پیشنهاد می‌دهد که هم‌اکنون در بخش تفسیر موسوعه‌نگاری مرکز تحقیقات دارالحدیث در حال انجام است [۲۵، ص ۲۸۳ و ۲۸۴] اما هنوز کتابی از این مجموعه منتشر نشده است. کتاب *تفسیر اهل‌بیت<sup>(ع)</sup>* تألیف علیرضا برازش نیز گام مهمی در این عرصه است.

این کتاب در ۱۸ مجلد تدوین یافته و در بردارنده ۲۷۷۱۸ حدیث تفسیری - بیش از مجموع احادیث دو موسوعه بزرگ تفسیر روایی شیعه یعنی البرهان و نورالثقلین - فارسی و عربی از منابع معتبر شیعه و سنی است اما حجم روایات جدید در این تفسیر بسیار کم است و در مواردی سخنانی از غیر معصوم نیز در آن به چشم می‌خورد. بنابراین می‌توان گفت هنوز جای خالی پژوهشی کامل و دقیق برای به سامان رساندن، جهت‌دهی، تنقیح و تکمیل کتاب‌های پیشین و در راستای گسترش مرزهای دانش در زمینه تفسیر روایی، به چشم می‌خورد تا بر اساس آن بتوان به نظر جامع و کامل معصومان<sup>(ع)</sup> در مورد موضوعی خاص دست یافت؛ منبعی که همه روایات (موجود در منابع فریقین) ناظر بر آیه را به صورت یکجا، دسته‌بندی شده و بدون تکرار مکررات آورده باشد و علاوه بر این سایر روایات تفسیری پراکنده در منابع روایی را نیز در بر گیرد. برای این منظور، ابتدا باید تفاسیر و روایات آن‌ها مورد تحلیل و بررسی دقیق قرار بگیرند تا مشخص شود که مرزهای دانش در رابطه با تفسیر روایی کجاست؟ چه میزان از روایات تفسیری تاکنون استقصاء شده است؟ کدام‌یک از تفاسیر از لحاظ بهره‌گیری از روایات، غنای بیشتری دارد؟ آیا منبعی هست که رجوع به آن، ما را از لحاظ دستیابی به درصد بالایی از روایات تفسیری ذیل یک آیه خاص، خاطر جمع کند؟ و ...

اما بررسی کلیه کتاب‌های تفسیری موجود و برای همه آیات قرآن، وقت و حوصله فراوانی می‌طلبد و تقریباً غیرممکن است. به همین خاطر پژوهش پیش رو، تفاسیر را در بازه بخش‌هایی از سوره مبارکه نساء، مائده و آل عمران مورد ارزیابی و تحلیل قرار می‌دهد و ضمن نمایش خلأ موجود در تفاسیر روایی، به مقایسه کمی منابع و معرفی تفاسیر برتر و جامع‌تر می‌پردازد.

## ۲. سیر تطور تاریخی تفاسیر روایی

تفسیر قرآن با استفاده از روایات، از همان دوران رسول خدا<sup>(ص)</sup> آغاز شد و تا این زمان کتاب‌های متعدد و مهمی در این زمینه تدوین شده‌اند. تفاسیر استفاده شده در این طرح، به تفکیک قرن، عبارتند از:

قرن ۲: تفسیر القرآن الکریم ثمالی، تفسیر مقاتل بن سلیمان، معانی القرآن فراء؛

قرن ۳: غریب القرآن ابن قتیبه، تفسیر قمی؛

قرن ۴: تفسیر فرات کوفی، کتاب التفسیر، جامع البیان، تفسیر القرآن العظیم ابن

ابی حاتم، احکام القرآن جصاص، بحر العلوم، حقائق التفسیر؛

- قرن ۵: التبیان فی تفسیر القرآن، شواهد التّنزیل، احکام القرآن کیه‌راسی، الکشف و البیان، تاج التّراجم، کشف الاسرار؛
- قرن ۶: المحرر الوجیز، الکشاف، مجمع البیان، جوامع الجامع، روض الجنان و روح الجنان، فقه القرآن فی شرح آیات الاحکام، متشابه القرآن، زادالمسیر، معالم التّنزیل، مفاتیح الغیب، احکام القرآن ابن عربی؛
- قرن ۷: نهج البیان، انوار التّنزیل، الجامع لاحکام القرآن، حقائق التّأویل؛
- قرن ۸: البحر المحیط، غرائب القرآن، التّسهیل لعلوم التّنزیل، لباب التّأویل، تفسیر ابن کثیر، تفسیر المحیط الاعظم سید حیدر آملی؛
- قرن ۹: جواهر الحسان، کنز العرفان؛
- قرن ۱۰: تأویل الآیات الظّاهرة، آیات الاحکام جرجانی (تفسیر شاهی)، منهج الصادقین، زبدة التّفاسیر، الدر المنثور، زبدة البیان؛
- قرن ۱۱: آیات الاحکام استرآبادی، مسالک الافهام، تفسیر القران الکریم ملاصدرا، الصّافی، الأصفی، تفسیر شریف لاهیجی، البرهان، نورالثقلین، المعین؛
- قرن ۱۲: کنزالدقائق، روح البیان؛
- قرن ۱۳: البحر المدید، المظهری، تفسیر القرآن الکریم (الصّغیر یا الوجیز) شبر، الجوهر الثّمین (التّفسیر الوسیط) شبر، فتح القدر، روح المعانی؛
- قرن ۱۴: بیان السّعادة، محاسن التّأویل، آلاء الرّحمن، تیسیر الکریم الرّحمن (تفسیر السّعدی)، تفسیر جامع، تفسیر اثنی عشری، فی ظلال القرآن، التّحریر و التّنویر ابن عاشور، الواضح، تفسیر آیات الاحکام سائس، بیان المعانی، یرتوی از قرآن، الکاشف، المبین، البیان فی الموافقة بین الحدیث و القرآن، المیزان، التّفسیر الحدیث، روان جاوید، الجدید، ارشاد الاذهان، اطیب البیان، انوار درخشان، مواهب الرّحمن؛
- قرن ۱۵: الفرقان، نور، نمونه، من هدی القرآن، الوسیط زحیلی، روشن، الجواهر، تسنیم، تفسیر اهل‌بیت<sup>(ع)</sup>.

### ۳. روش کار

جامعه پژوهش، از تفاسیر مهم شیعه و اهل سنت انتخاب شده است تا میزان استناد تفاسیر فریقین به روایات پیامبر<sup>(ص)</sup> و در مواردی روایات اهل‌بیت<sup>(ع)</sup> برآورد گردد. تفاسیر مربوط به این پژوهش، ۹۸ تفسیر است که شیوه گزینش آن‌ها به صورت زیر بوده است:

ابتدا از بین حدود ۳۴۰ تفسیر موجود در نرم‌افزار جامع‌التفاسیر ۲ با بررسی‌های موردی برای آیات پراکنده، ۹۴ تفسیر انتخاب شد. این تعداد شامل تفاسیری است که جنبه روایی دارد یا حداقل روایتی در آن دیده شده است که در تفاسیر دیگر نبوده است. سایر تفاسیر از همین کتاب‌ها اقتباس کرده‌اند و روایات آن‌ها غالباً تکرار مکررات است. پس از آن، تفاسیر مهم دیگری همچون *تفسیر اهل بیت<sup>(ع)</sup>*، *تسنیم*، *الجواهر* و *البيان في الموافقة بين الحديث و القرآن* نیز به این مجموعه اضافه گردید. تفاسیر مذکور از نظر تعداد روایت تفسیری، از درجه اهمیت بالایی برخوردارند اما در جامع‌التفاسیر ۲ موجود نیست.<sup>۱</sup>

پس از گزینش تفاسیر، کلیه روایات مربوط به اهل‌بیت<sup>(ع)</sup> به تفکیک آیه و بر اساس سیر تاریخی و تقدم زمانی از آن‌ها استخراج گردید. سپس با مقایسه روایات، درصد نوآوری هر یک از تفاسیر در بهره‌گیری از روایات جدید تعیین شد. قابل ذکر است که «روایت جدید» در این پژوهش، روایتی است که مفسر آن را برای اولین بار در تفسیر خود آورده و در مواردی، مفسران بعدی نیز از او اقتباس کرده‌اند. گاهی این روایات، در تفاسیر قبلی نیز ذکر شده ولی با نکته‌ای متفاوت که آن را از نقل قبلی متمایز می‌سازد، مانند ذکر روایت با سند جدید یا افزایش و تفاوتی در متن و... که در این صورت نیز، یک روایت جدید محسوب می‌شود. روایات جدید می‌تواند بیانگر میزان خلاقیت مفسر در تفسیر قرآن با روایات معصومان<sup>(ع)</sup> باشد.

بعد از این مرحله، برای نشان دادن ضرورت تلاش برای کشف روایات جدید از روایات موجود در منابع روایی غیر تفسیری که از دید سایر تفاسیر مغفول مانده است و خلأ موجود در این زمینه، مفاهیم مهم و محوری و کلمات کلیدی آیه در منابع روایی مورد جستجو قرار گرفت و روایاتی از آن‌ها انتخاب گردید. برای مثال روایت زیر، مفسر «**آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ**» در آیه ۱۲۲ سوره مبارکه نساء است که در هیچ تفسیری نیامده است. عن امیرالمومنین<sup>(ع)</sup>: «**الإيمانُ و العملُ أخوانٌ توأمانٌ و رفیقانٌ لا یفترقانِ لا یقبلُ اللهُ أحدهما إلا بصاحبه**» ایمان و عمل، دو برادر همراه و دو همنشین جدایی‌ناپذیرند که خدا هر یک از آن‌ها را تنها به واسطه دیگری قبول می‌کند» [۷، ص ۱۱۹، ح ۲۱۱۶].

پس از این مرحله، نتایج به‌دست آمده، از زوایای گوناگون مورد بررسی کمی قرار گرفت.

۱. تفسیر *البيان في الموافقة بين الحديث و القرآن* در نسخه ۲، ۵ این نرم‌افزار اضافه شده است.

پژوهش پیش رو، تفاسیر را در بازه بخش‌هایی از سوره مبارکه نساء، مائده و آل عمران مورد ارزیابی و تحلیل قرار می‌دهد. دلایل انتخاب این بازه عبارتند از: اولاً سوره نساء پس از سوره بقره، بزرگترین سوره قرآن است؛ ضمن اینکه بخش‌هایی از سوره آل عمران (۲۵ آیه انتهایی) و نیز سوره مائده (۲۵ آیه ابتدایی) مورد بررسی قرار گرفته تا بررسی‌ها محدود به یک سوره خاص نشود و خطای حاصل از سیاق واحد سوره‌های قرآن کاهش یابد. ثانیاً ممکن است در بخش‌های خاصی از قرآن (مانند ابتدا و انتهای قرآن، سوره‌های پر کاربرد همچون یس، سوره‌هایی با موضوعات خاص و ...) بعضی از تفاسیر با شور و هیجان و انگیزه بیشتری تدوین شده باشند اما بخش‌گزینی شده در جزءهای ۴، ۵ و ۶ قرار دارد که روش مفسر در آن تقریباً تثبیت شده است. ثالثاً موضوع آیات این بازه متنوع بوده و مشتمل بر حوزه احکام، عقاید و اخلاق (ریز موضوعاتی همچون بحث زن و خانواده، جهاد، حکومت اسلامی، اخلاق فردی و اجتماعی، توحید و شرک و...) است. علاوه بر دلایل مذکور، تعداد کل روایات در چند موسوعه حدیثی برتر شیعه و اهل سنت (از نظر فراوانی روایت جدید) به شرح ذیل است:

نام کتاب	کل روایات	روایات این پروژه	درصد
تفسیر اهل بیت <sup>(ع)</sup>	۲۷۷۱۸	۱۲۵۷	۴,۵٪
الفرقان	۱۱۲۶۵	۸۱۶	۷,۲٪
البرهان	۱۲۱۲۸	۷۱۴	۵,۹٪
نور الثقلین	۱۳۴۲۲	۷۰۰	۵,۲٪
الدر المنثور	۱۰۰۰۰	۴۳۷	۴,۴٪
کتاب التفسیر	۲۷۰۰	۳۳۶	۱۲,۴٪
مجموع	۴۹۵۱۵	۳۰۰۳	۶,۱٪

بر اساس جدول فوق، روایات موجود در گستره آیات مورد مطالعه (که برابر است با ۵ درصد از حجم کل قرآن) حدود ۶ درصد از کل روایات تفسیری موجود در این منابع را پوشش می‌دهد.

چنانچه با استفاده از فرمول کوچران (Cochran)<sup>۱</sup>، حجم نمونه برای درصد خطای ۶

$$n = \frac{\frac{pqz^2}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left( \frac{pqz^2}{d^2} - 1 \right)}$$

۱. فرمول برآورد حجم نمونه که برابر است با:

درصد محاسبه گردد، حجم برآورد شده برای کل آیات قرآن برابر است با ۱۶۴ آیه<sup>۱</sup>. از این رو پژوهش حاضر (مطالعه موردی ۱۲۵ آیه از سوره مبارکه نساء، ۲۵ آیه ابتدایی سوره مائده و ۲۵ آیه انتهای سوره آل عمران) می‌تواند قضاوت قابل قبولی با سطح اطمینان ۹۴ درصد در رابطه با کل قرآن ارائه دهد؛ هرچند قطعی و صد در صدی نیست.

#### ۴. محتوای تحقیق (جدول‌ها و تحلیل‌ها)

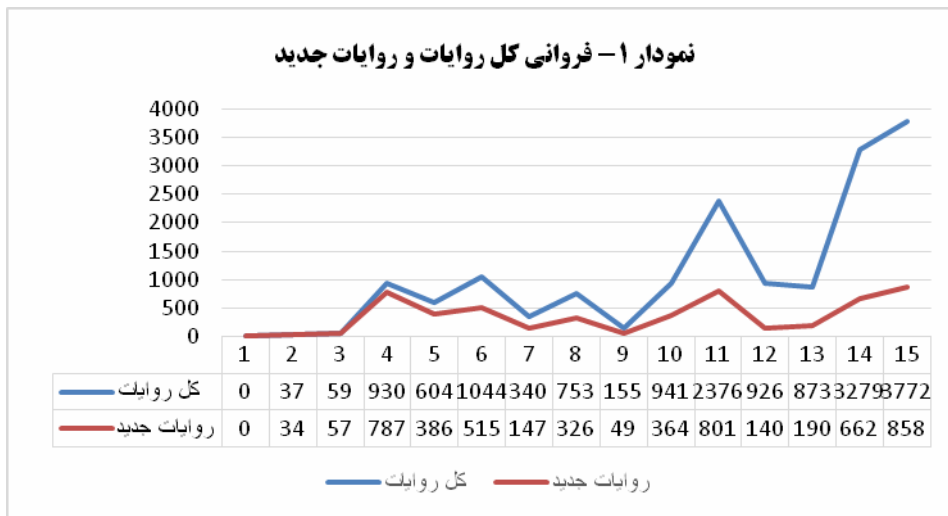
در این بخش از نوشتار نتایج حاصل از بررسی‌های تطبیقی و تاریخی روایات موجود در تفاسیر، از زوایای گوناگون مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد.

##### ۴.۱. ارزیابی سیر تطور تاریخی روایات تفسیری

تفسیر و روایات تفسیری در آغاز عهد رسالت و نیز دوره صحابه و تابعان، تنها به صورت شفاهی آموخته می‌شد و به نسل‌های بعد منتقل می‌گردید. در دوره تابعان تابعان و تقریباً هم‌زمان با شکل‌گیری کتاب‌های حدیث، کتاب‌های تفسیر نیز تدوین شدند. دلیل این کار حفظ و نگهداری روایات از انواع خطرات و نیز جلوگیری از به فراموشی سپردن آن‌ها بود [۲۷، ج ۲، ص ۹]. بنابراین قرن دوم را می‌توان عصر دگرگونی و تحول تفسیر دانست؛ چون در این عصر، تفسیر از مرحله نقل شفاهی گذشت و به صورت مکتوب درآمد. از قرن سوم به بعد، تفسیر گسترده‌تر شد و از سایر علوم و دانش‌ها تأثیر پذیرفت [۲۷، ص ۱۱].

۱. در این فرمول مقدار  $p$  و  $q$  (توزیع و عدم توزیع صفت در جامعه) برابر است و هرکدام مقدار ۵۰٪ را به خود اختصاص داده است.  $N$  برابر است با حجم جامعه، یعنی ۶۲۳۶ آیه قرآن کریم. مقدار  $z$  نیز با استفاده از توابع اکسل - تابع NORMSINV - از جدول توزیع نرمال استخراج گردیده است.





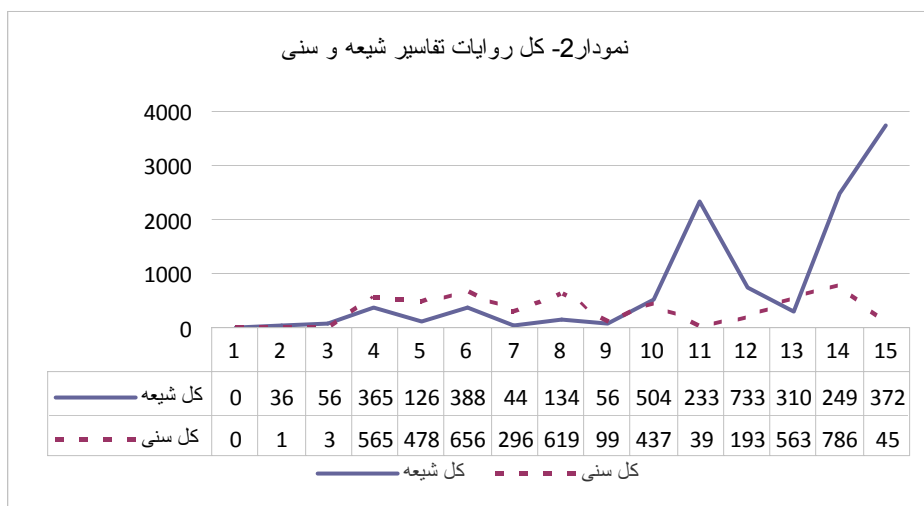
بر اساس نمودار فوق، در گستره آیات مورد مطالعه، ۱۶۴۳۱ روایت در تفاسیر موجود است که از این میان، ۱۱۰۷۱ روایت (۶۷ درصد) عیناً تکرار روایات قبلی و یا تقطیع و مشابه آن‌هاست و تنها ۵۳۶۰ روایت در زمره روایات جدید قرار می‌گیرد. این امر نشان می‌دهد که مفسران بیشتر در زمینه گردآوری روایات از منابع تفسیری فعال بوده‌اند و با وجود پراکندگی روایات تفسیری جدید در منابع روایی کهن، تلاش و کنکاشی برای یافتن آن‌ها نداشته‌اند یا حداکثر به همان روایات کتاب‌های قبلی دست یافته‌اند. این مسأله در میان مفسران متأخر نمود بیشتری دارد.

در تفاسیر متقدم و به‌خصوص تفاسیر روایی متقدم، تعداد روایات کم، ولی بیشتر آن‌ها جدید است؛ چراکه این منابع به عصر معصوم<sup>(ع)</sup> نزدیک‌تر بوده‌اند و همچنین قبل از آن‌ها منبعی برای اقتباس وجود نداشت. از بین تفاسیر متقدم کتاب *التفسیر* با ۳۳۶ روایت و *احکام القرآن جصاص* با ۳۱۵ روایت، پر روایت‌ترین تفاسیر شیعی و سنی در قرون اولیه هستند. هر دو کتاب مربوط به قرن چهارم است که دوران طلایی تفسیر روایی در میان متقدمان به شمار می‌آید و نخستین مجامع تفسیر روایی در آن دوره تدوین شدند.

در همین زمان، گروهی از مفسران مانند طبری، حجم گسترده‌ای از روایات تفسیری را که بخش زیادی از آن‌ها وابسته به منقولات اهل کتاب یا منابع ضعیف دیگر بود، بدون ارزیابی در کتاب‌های خود گرد آوردند و مفسران بعدی نیز با تساهل در این موضوع، کتاب‌های تفسیری را از این روایات بی ارزش و ساختگی پر کردند [۲۸، ج ۱، ص ۳۴]. این امر و نیز تحولات علمی و تفسیرهای اجتهادی فراوان در علوم مختلف، سبب شد که

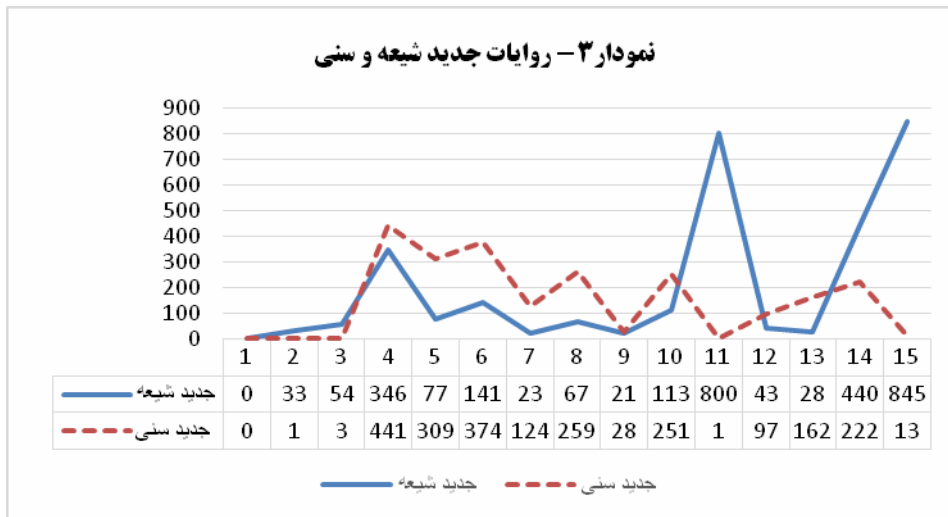
تفسیر مآثور پس از مدتی نفوذ و موقعیت خویش را از دست داده و در قرن‌های بعدی دچار نوعی رکود شود. اما طولی نکشید که تندروی در نظریه اثبات اصالت عقل و اعتماد به آراء ظنی و اجتهادی، بار دیگر به تفسیر نقلی جانی دوباره بخشید [۱۸، ص ۲۲۰] به طوری که در قرن‌های ۱۰ و ۱۱ تفسیرهای روایی مهمی همچون *الدر المنثور* در میان اهل سنت و *البرهان*، *نور الثقلین* و *الصفی* در شیعه وارد دنیای اسلام شدند؛ با این تفاوت که در این دوره تفسیر تا حدی به مسیر صحیح خویش بازگشت و مفسران با احتیاط بیشتری به نقل روایات می‌پرداختند. البته در قرن ۱۲ و ۱۳ تفسیر، تحت تأثیر جریان اخباری‌ها (حدیث‌گرایی افراطی) دچار رکودی دوباره شد.

تعداد روایات در منابع متأخر بسیار بیشتر از منابع متقدم است اما برخی از این تفاسیر صرفاً گردآورنده روایت بوده و روایت‌های جدید کمی دارند. برای مثال از ۹۶۲ روایت *الجواهر*، تنها ۴۴ روایت؛ از ۲۹۱ روایت *روان جاوید*، ۲۰ روایت و از ۷۳۳ روایت *کنز الدقائق* فقط ۴۳ روایت، در شمار روایات جدید جای می‌گیرند و بقیه تکرار و مشابه روایات منابع قبلی‌اند. به همین دلیل با وجود سیر صعودی کل روایات موجود در تفاسیر، شیب نمودار روایات جدید تقریباً ثابت و نزدیک به صفر است. بنابراین می‌توان گفت حداکثر کاری که غالب متأخران در رابطه با روایت‌های تفسیری انجام داده‌اند، جمع‌آوری آن‌ها در یک منبع بوده است که البته این اقدام در عین اهمیتی که دارد، ناقص است.



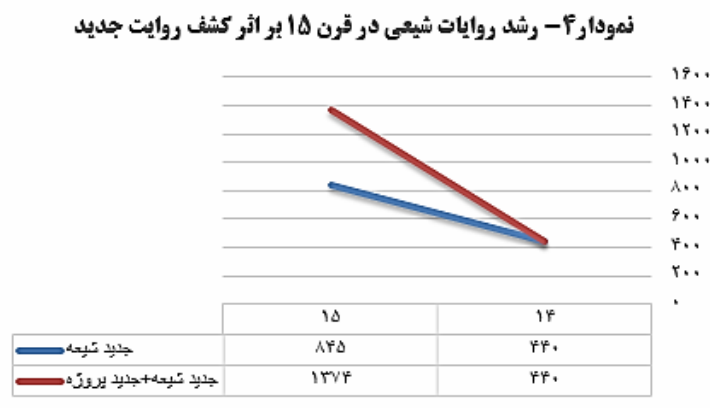
بر اساس نمودار ۲، تعداد روایات تفسیری در کتاب‌های متقدمان اهل‌سنت بیشتر از شیعه است اما پس از تألیف کتاب *الدر المنثور* در قرن دهم - که تعداد روایات آن، ۴۳۷ روایت، با تعداد روایات کل تفاسیر شیعی قرن دهم، ۳۶۷ روایت، برابری می‌کند - تفسیر روایی در میان اهل‌سنت دچار رکود شد. این در حالی است که همین زمان (قرن ۱۱) دوران طلایی تفسیر روایی در میان شیعه به حساب می‌آید که در آن کتاب‌های مهمی همچون *البرهان*، *نور الثقلین*، *الصفی* و ... تدوین شد و تعداد روایات تفسیری شیعه با اختلاف قابل توجهی نسبت به منابع سنی رو به فزونی نهاد. از جمله دلایل رشد چشمگیر تفسیر روایی شیعه در این زمان عبارتند از گستردگی روایات تفسیری شیعه نسبت به اهل‌سنت به دلیل معتبر دانستن روایات اهل‌بیت<sup>(ع)</sup> در کنار روایات پیامبر<sup>(ص)</sup>؛ جریان اخباری‌گری (حدیث‌گرایان افراطی که دید نقادانه به احادیث نداشتند)؛ حکومت شیعی صفویه که دسترسی بیشتر و بهتر به کتاب‌ها و کتابخانه‌ها و فعال بودن مراکز حدیثی و ... را سبب شد.

در میان تفاسیر معاصر نیز میزان اعتنا و بهره‌گیری از روایت در تفاسیر اهل‌سنت بسیار کم و نزدیک به صفر است و برخلاف مفسران اهل‌سنت، رویکرد حدیثی تفاسیر شیعه در دوران معاصر، بیشتر شده است.



بر اساس نمودار ۳، در بازه زمانی قرن ۴ تا ۱۰ میزان کشف روایات جدید مرتبط با آیات در میان مفسران اهل‌سنت نسبت به شیعه بیشتر است. اما در قرن ۱۱ و نیز قرن‌های اخیر (۱۴ و ۱۵) مفسران شیعی در راستای کشف روایات جدید، تلاش

بیشتری داشته‌اند. گرچه بهره‌گیری از روایات در کتاب‌های مفسران شیعه، به دلیل استفاده گسترده از معجم‌های حدیثی و نیز امکانات رایانه‌ای، رشد قابل توجهی در قرن ۱۵ داشته است اما کافی نیست و همچنان جای تلاش بیشتر وجود دارد. لذا پژوهش حاضر برای نمایش گوشه‌ای از روایات تفسیری پراکنده در منابع روایی، دست به گزینش روایات مرتبط با آیات مورد مطالعه زده و تعداد ۵۲۹ روایت جدید مرتبط و متناسب با آیات را از آن‌ها استخراج نمود. نمودار ۴، به خوبی تفاوت میزان روایت‌های جدید موجود در کتاب‌ها و رشد آن در اثر کشف روایت‌های جدید از منابع روایی را ترسیم می‌کند.



این تفاوت مقدار نشانگر این است که با وجود تلاش فراوان و تحسین برانگیز مفسران در تفسیر قرآن با روایات، هنوز خلأ زیادی در زمینه کشف روایت‌های تفسیری جدید وجود دارد. با این حال امروزه وجود معاجم حدیثی و ابزارهای جدید و کارآمد همچون نرم‌افزارهای رایانه‌ای، امکان جستجو و مقایسه در منابع الکترونیکی و ... امکان پیشرفت چشمگیر توأم با دقت بالا در این کار را افزایش داده است.

#### ۲.۴. ارزیابی فراوانی روایت جدید در هر تفسیر و نسبت آن با تعداد کل روایات

روایات تفسیری دسته‌های حدیثی مصطلح و غیرمصطلح را در بر می‌گیرد. حدیث تفسیری مصطلح، شامل احادیثی است که مستقیماً ناظر به آیه یا آیاتی خاص یا قاعده‌ای کلی از قواعد فهم قرآن باشد [۱۳، ص ۲۷۰ و ۲۷۱] اما حدیث تفسیری غیرمصطلح، حدیثی است که در پرتو آن، جهتی از جهات معنایی آیه مفهوم گردد

بی‌آنکه آن حدیث به طور خاص ناظر به آیه یا آیاتی خاص، یا ناظر به قاعده‌ای کلی از قواعد فهم قرآن باشد.

از جمله این نوع احادیث می‌توان به روایاتی اشاره کرد که مشتمل بر تبیین موضوعی عام از موضوعات یک یا چند آیه است یا بیانگر حکمی از احکام آن‌ها است؛ بی‌آنکه ناظر به آیه یا آیات مزبور باشد، یا حدیثی که واژه‌ای خاص از واژگان موجود در آیه را به کار می‌برد بی‌آنکه ناظر بر خود آیه باشد و در واقع مبین دیدگاه اهل بیت<sup>(ع)</sup> درباره آن است، یا روایاتی که ناظر به قواعد کلی استنباط از مدلول محاورات و متون است یا مشتمل بر مبانی فکری تفسیری اهل بیت<sup>(ع)</sup> می‌باشد [۱۳، ص ۲۷۱].

با این مقدمه می‌توان گفت تفسیر، هر قول، فعل یا تقریری است که به طور صریح یا به اشاره، مرتبط با آیات قرآن یا مبین آن‌ها باشد. با این تعریف، دایره روایات تفسیری بسیار گسترده خواهد شد. تفاسیر متقدم بیشتر ناظر به احادیث تفسیری مصطلح بوده‌اند و مفسران بعدی نیز در بسیاری از موارد به ذکر همین روایات بسنده نموده و از روایات تفسیری غیرمصطلح و حتی در مواردی روایات مصطلح، غافل مانده‌اند.

#### جدول ۱- فراوانی کل روایات، روایات جدید و درصد آن بر حسب سیر نزولی روایت جدید

فهرست تفاسیر به سیر تاریخی	کل روایات	روایات جدید	درصد (روایات جدید این تفسیر/کل روایات جدید)	جدید/کل روایات
پژوهشگر	۱۶۴۳۱	۵۲۹	۹٪	۳,۲٪
تفسیر اهل بیت <sup>(ع)</sup>	۱۲۵۷	۴۵۹	۸,۷٪	۲,۸٪
کتاب التفسیر	۳۳۶	۳۲۱	۵,۵٪	۲٪
نور الثقلین	۷۰۰	۲۷۸	۴,۷٪	۱,۷٪
الدر المنثور	۴۳۷	۲۵۱	۴,۳٪	۱,۵٪
البرهان	۷۱۴	۲۲۲	۳,۸٪	۱,۴٪
احکام القرآن جصاص	۳۱۵	۲۱۹	۳,۷٪	۱,۳٪
الفرقان	۸۱۶	۲۱۱	۳,۶٪	۱,۳٪
الصفی	۳۹۹	۲۰۴	۳,۵٪	۱,۲٪
تفسیر القرآن العظیم این کثیر	۳۶۱	۱۹۶	۳,۳٪	۱,۲٪
کشف الاسرار	۲۸۹	۱۷۳	۲,۹٪	۱,۱٪
تسنیم	۶۸۳	۱۲۱	۲,۱٪	۰,۷٪
الکشف و البیان	۱۵۲	۱۲۰	۲٪	۰,۷٪
مفاتیح الغیب	۲۱۳	۱۱۹	۲٪	۰,۷٪

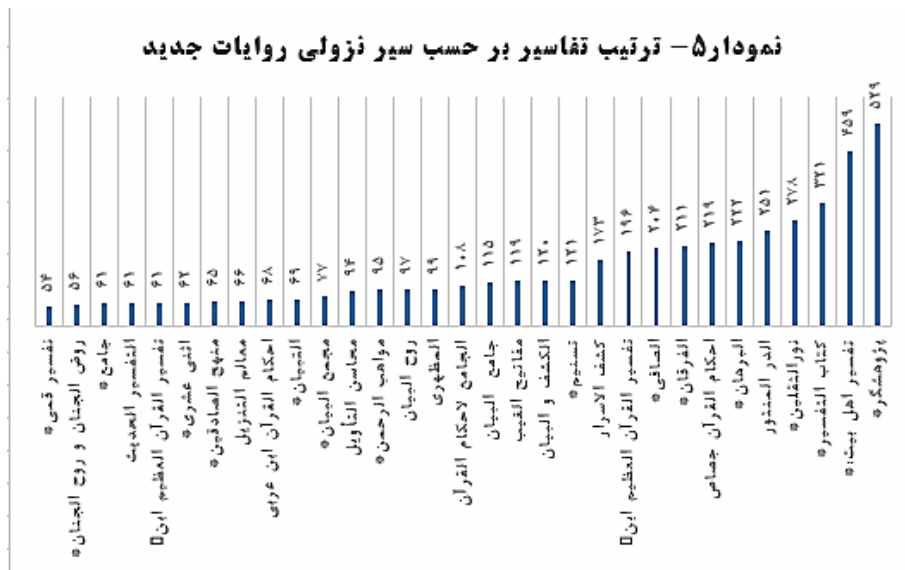
جامع البیان	۱۲۰	۱۱۵	۲٪	۰,۷٪
الجامع لاحکام القرآن	۲۵۰	۱۰۸	۱,۸٪	۰,۷٪
المظهری	۲۷۴	۹۹	۱,۷٪	۰,۶٪
روح البیان	۱۹۳	۹۷	۱,۶٪	۰,۶٪
مواهب الرحمن	۵۵۲	۹۵	۱,۶٪	۰,۶٪
محاسن التأویل	۳۲۳	۹۴	۱,۶٪	۰,۶٪
مجمع البیان	۱۶۸	۷۷	۱,۳٪	۰,۵٪
التبیین	۱۰۸	۶۹	۱,۲٪	۰,۴٪
احکام القرآن ابن عربی	۱۰۷	۶۸	۱,۲٪	۰,۴٪
معالم التنزیل	۱۲۰	۶۶	۱,۱٪	۰,۴٪
منهج الصادقین	۲۵۶	۶۵	۱,۱٪	۰,۴٪
اثنی عشری	۲۳۰	۶۲	۱,۱٪	۰,۴٪
تفسیر القرآن العظیم ابن ابی حاتم	۷۴	۶۱	۱٪	۰,۴٪
التفسیر الحدیث	۱۸۸	۶۱	۱٪	۰,۴٪
جامع	۳۱۱	۶۱	۱٪	۰,۴٪
روض الجنان و روح الجنان	۱۸۸	۵۶	۱٪	۰,۳٪
تفسیر قمی	۵۶	۵۴	۰,۹٪	۰,۳٪
لباب التأویل	۱۵۷	۴۶	۰,۸٪	۰,۳٪
الجواهر	۹۶۲	۴۴	۰,۷٪	۰,۳٪
کنز الدقائق	۷۳۳	۴۳	۰,۷٪	۰,۳٪
مسالك الافهام	۹۳	۴۲	۰,۷٪	۰,۳٪
روح المعانی	۲۰۳	۴۲	۰,۷٪	۰,۳٪
بحر العلوم	۴۸	۳۹	۰,۷٪	۰,۲٪
اطیب البیان	۹۹	۳۸	۰,۶٪	۰,۲٪
الکاشف	۶۱	۳۶	۰,۶٪	۰,۲٪
المحرر الوجیز	۵۵	۳۴	۰,۶٪	۰,۲٪
المیزان	۳۲۹	۳۳	۰,۶٪	۰,۲٪
آلاء الرحمن	۱۲۰	۳۱	۰,۵٪	۰,۲٪
البحر المحيط	۱۰۵	۳۰	۰,۵٪	۰,۲٪
فقه القرآن فی شرح آیات الاحکام	۴۹	۲۹	۰,۵٪	۰,۲٪
غرایب القرآن	۱۴۳	۲۹	۰,۵٪	۰,۲٪
جواهر الحسان	۹۹	۲۸	۰,۵٪	۰,۲٪
الکشاف	۵۷	۲۷	۰,۵٪	۰,۲٪

۰,۲٪	٪۰,۵	۲۷	۴۹	زاد المسیر
۰,۲٪	۰,۴٪	۲۵	۲۹	فرات کوفی
٪۰,۱	٪۰,۴	۲۴	۲۰۱	البیان فی الموافقة بین الحديث و القرآن
٪۰,۱	٪۰,۴	۲۳	۱۸۸	شریف لاهیجی
٪۰,۱	٪۰,۴	۲۲	۳۴	تأویل الآيات الظاهرة
٪۰,۱	٪۰,۴	۲۱	۲۹	المحیط الاعظم سید حیدر آملی
٪۰,۱	٪۰,۴	۲۱	۵۶	کنز العرفان
٪۰,۱	٪۰,۴	۲۱	۳۰	آیات الاحکام استرآبادی
٪۰,۱	٪۰,۴	۲۱	۸۶	البحر المدید
٪۰,۱	٪۰,۳	۲۰	۳۶	نهج البیان
٪۰,۱	٪۰,۳	۲۰	۲۹۱	روان جاوید
٪۰,۱	٪۰,۳	۱۹	۵۸	بیان السعادة
٪۰,۱	٪۰,۳	۱۹	۱۱۲	نمونه
٪۰,۱	٪۰,۳	۱۹	۶۸	تفسیر روشن
٪۰,۱	٪۰,۳	۱۸	۱۰۲	فتح القدير
٪۰,۱	٪۰,۳	۱۷	۱۹	تفسیر مقاتل بن سلیمان
٪۰,۱	٪۰,۳	۱۷	۱۵۰	زبدة التفاسیر
٪۰,۱	٪۰,۳	۱۷	۱۰۷	نور
٪۰,۱	٪۰,۳	۱۶	۱۷	ثمالی
٪۰,۱	٪۰,۳	۱۶	۴۶	انوار التنزیل
٪۰,۱	٪۰,۳	۱۶	۶۷	تفسیر آیات الاحکام
٪۰,۱	٪۰,۳	۱۶	۵۷	التحریر و التنویر (تفسیر ابن عاشور)
٪۰,۱	۰,۲٪	۱۳	۱۰۷	الجدید
٪۰,۱	٪۰,۲	۱۱	۳۳	الواضح
٪۰,۱	٪۰,۲	۱۱	۵۵	الوسیط زحیلی
٪۰,۱	٪۰,۲	۱۰	۲۱۲	الاصفی
٪۰,۱	٪۰,۲	۹	۱۳	شواهد التنزیل
٪۰,۱	٪۰,۲	۹	۱۶	تیسیر الکریم الرحمن (تفسیر السعدی)
٪۰,۱	٪۰,۲	۹	۷۱	بیان المعانی
۰٪	۰,۱٪	۸	۱۸	تاج التراجم
۰٪	٪۰,۱	۸	۳۲	جوامع الجامع
۰٪	٪۰,۱	۸	۱۸۸	الجواهر الثمین (الوسیط شبر)

حقایق التفسیر	۸	۷	۰,۱٪	۰٪
احکام القرآن کیهن‌رایی	۲۴	۷	۰,۱٪	۰٪
آیات الاحکام جرجانی (تفسیر شاه‌ی)	۳۹	۷	۰,۱٪	۰٪
انوار درخشان	۱۱۱	۶	۰,۱٪	۰٪
فی ظلال القرآن	۳۱	۶	۰,۱٪	۰٪
متشابه القرآن	۶	۴	۰,۱٪	۰٪
التسهیل لعلوم التنزیل	۱۰	۴	۰,۱٪	۰٪
غریب القرآن ابن قتیبہ	۳	۳	۰,۱٪	۰٪
دقایق التأویل	۸	۳	۰,۱٪	۰٪
زیده البیان	۲۵	۲	۰٪	۰٪
تفسیر القرآن الکریم (الصغیر شبر - الوجیز)	۲۰	۲	٪۰	۰٪
معانی القرآن فراء	۱	۱	٪۰	۰٪
المعین	۳۹	۱	٪۰	۰٪
پرتوی از قرآن	۸	۱	٪۰	۰٪
المبین	۸	۱	٪۰	۰٪
من هدی القرآن	۲	۱	٪۰	۰٪
تفسیر القرآن الکریم صدرا	۱	۰	٪۰	۰٪
ارشاد الاذهان	۷	۰	٪۰	۰٪

براساس جدول فوق (فراوانی کل روایات، روایات جدید و درصد آن بر حسب سیر نزولی روایت جدید)، حدود ۴۵ درصد از حجم روایات جدید موجود در تفاسیر، مربوط به ۱۱ تفسیر از تفاسیر شیعی و سنی است که عبارتند از: تفسیر اهل بیت<sup>(ع)</sup>، کتاب التفسیر، نورالثقلین، الدر المنثور، البرهان، احکام القرآن جصاص، الفرقان، الصافی، تفسیر القرآن العظیم ابن کثیر، کشف الاسرار و تسنیم. بنابراین مراجعه به این تفاسیر می‌تواند محققان را از دستیابی به حدود نیمی از روایات تفسیری موجود مطمئن کند.





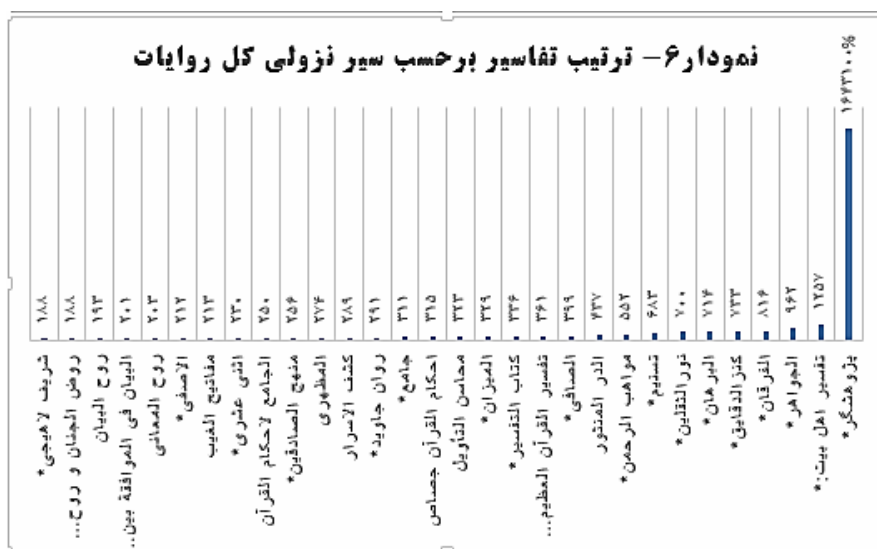
آمار به دست آمده نشان می‌دهد که روایات تفسیری در میان تفسیرهای شیعه و اهل سنت پراکنده‌اند. بنابراین برای دسترسی به کل روایات تفسیری ذیل هر یک از آیات و استنباط نظر تفسیری معصومان<sup>(ع)</sup> باید منابع فریقین را در نظر داشت.

علاوه بر این بررسی منابع روایی با هدف استخراج روایات جدید از آن‌ها نیز گامی بسیار ضروری است چراکه بسیار دیده شده است که در رابطه با یک آیه یا محوری از محورهای آن، هیچ روایتی در تفاسیر موجود نیست یا روایات موجود، فهم جامعی از آیه ارائه نمی‌دهد. لذا پژوهش حاضر برای نشان دادن لزوم و اهمیت این امر، دست به گزینش روایاتی معرفت‌بخش و مرتبط با آیات مورد پژوهش زده و ۵۲۹ روایت از منابع روایی استخراج نمود که در هیچ یک از کتاب‌های تفسیری به آن اشاره نشده است.

بیشترین تعداد روایت جدید در میان منابع تفسیری شیعی مربوط به تفسیر اهل بیت<sup>(ع)</sup>، کتاب التفسیر و نورالثقلین است. از منابع اهل سنت نیز الدر المنثور رتبه اول فراوانی روایات جدید را به خود اختصاص داده است. با این وجود هر یک از این منابع تنها در بر دارنده حدود ۵ درصد از کل روایات جدید استقصاء شده هستند.

#### ۳.۴. تفاسیر برتر

ابتدا برای اثبات اهمیت تفاسیر گزینش شده و تقریب نتایج به واقعیت، تفاسیر برتر از لحاظ تعداد روایات جدید و کل روایات با هم تطبیق داده شد:



با مقایسه دو نمودار فوق نتایج زیر به دست خواهد آمد:

نام تفسیر	رتبه از نظر فراوانی روایت جدید	رتبه از نظر فراوانی کل روایات
تفسیر اهل بیت	۱	۱
کتاب التفسیر	۲	۱۲
نور الثقلین	۳	۶
الدر المنثور	۴	۹
البرهان	۵	۵
احکام القرآن جصاص	۶	۱۵
الفرقان	۷	۳
الصادق	۸	۱۰
تفسیر ابن کثیر	۹	۱۱
کشف الاسرار	۱۰	۱۸
تسنیم	۱۱	۷

بر اساس جدول و نمودارهای مذکور می‌توان گفت: اکثر تفاسیر برتر از لحاظ فراوانی روایات جدید، از نظر تعداد کل روایات نیز در رتبه‌های برتر قرار دارند. به عبارت دیگر نتایج حاصل از دو نمودار، در غالب موارد با هم

همپوشانی دارند به طوری که تنها تفاسیر کشف الاسرار و احکام القرآن جصاص از لحاظ فراوانی کل روایات در زمره ۱۲ تفسیر برتر نیستند.

برخی از تفاسیر همچون الجواهر، کنز الدقائق، روان جاوید، المیزان، البیان و ... با اینکه فراوانی کل روایاتشان زیاد است، اما به دلیل اشمال بر روایات تکراری و مشابه، از نظر فراوانی روایات جدید جزء تفاسیر برتر محسوب نمی‌شوند. از این منابع به دلیل اقتباس از سایر منابع، می‌توان صرف‌نظر کرد. تفاسیر پر روایت شیعه، نسبت به منابع اهل سنت فراوان‌ترند. اکثر تفاسیر پر روایت، جزء منابع تفسیری متأخر هستند.

### ۵. نتیجه‌گیری

با توجه به جایگاه ممتاز اهل‌بیت<sup>(ع)</sup> در تفسیر قرآن و ضرورت رجوع به تفاسیر آن بزرگواران و نیز گستردگی حجم روایات تفسیری، اهمیت پژوهش و دقت نظر در ابعاد مختلف روایات ایشان و نیز بحث و بررسی و تحلیل و دسته‌بندی آن‌ها در تفسیر قرآن روشن است. تولید علم به جای توزیع علم و دستیابی به یافته‌های علمی جدید، دقیق، ارزشمند و خالص در گرو تعیین دقیق مرزهای دانش در موضوع مورد پژوهش است. به عبارت دیگر ابتدا باید وضعیت یافته‌های پیشین دقیقاً مورد بررسی قرار گیرد تا پژوهش‌های جدید، با رویکرد تکمیل و تصحیح آن‌ها انجام پذیرد. با وجود فراوانی بالای روایات تفسیری، هنوز بسیاری از فرازهای آیات (به‌خصوص فرازهای پایانی آن‌ها) بدون روایت مانده‌اند.

در محدوده آیات مورد مطالعه در پژوهش حاضر، ۱۶۴۳۱ روایت در تفاسیر وجود دارد که ۱۱۰۷۱ مورد از آن‌ها تکرار، تقطیع یا مشابه روایات قبلی است. بنابراین می‌توان گفت بسیاری از مفسران، اغلب به روایات موجود در کتب تفسیری پیش از خود نظر داشته‌اند و به روایات موجود بسنده نموده‌اند یا حداقل همان روایاتی را یافته‌اند که مفسران قبلی در کتاب خود آورده‌اند. این امر در میان مفسران متأخر نمود بیشتری دارد.

از لحاظ فراوانی روایات جدید، به ترتیب تفاسیر اهل‌بیت<sup>(ع)</sup>، کتاب التفسیر، نورالثقلین، الدر المنثور، البرهان، احکام القرآن جصاص، الفرقان، الصافی، تفسیر القرآن العظیم این‌کثیر، کشف الاسرار و تسنیم در رتبه‌های برتر قرار دارند که اغلب آن‌ها مربوط به شیعه می‌باشند. هر یک از این تفاسیر بین ۲٫۵ تا ۸ درصد روایات را در بر دارند و در مجموع، حاوی ۴۵ درصد از روایات جدید هستند. یعنی اگر کسی برای به دست آوردن روایات ذیل یک آیه به تمامی این ۱۱ تفسیر مراجعه نماید باز به نیمی از روایات دست نخواهد یافت.

در تتبع کلّ روایات مرتبط با یک آیه در تفاسیر، وجود روایات تکراری، پیدا کردن روایات جدید را بسیار سخت و ملال‌آور می‌کند و در صورت بسنده نمودن به تعدادی از تفاسیر، محقق تنها به درصد کمی از روایات نائل می‌گردد. از سوی دیگر روایات تفسیری مرتبط با آیات، تنها محدود به روایات موجود در تفاسیر نیست. بنابراین سزاوار است تفسیر جامعی نگاشته شود که ضمن در بر داشتن کلیه روایات موجود و پراکنده در تفاسیر مختلف، روایات جدیدی را که مورد توجه واقع نشده است به آن بیفزاید.

### منابع

- [۱]. قرآن کریم.
- [۲]. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر البصری دمشقی (۱۴۱۹ق). *تفسیر القرآن العظیم*. تحقیق: عبدالعزیز غنیم و محمد احمد عاشور و محمد ابراهیم البنا، قاهره: دار الشعب.
- [۳]. احسانی فر لنگرودی، محمد (۱۳۸۴ش). «طرحی نو در تبیین غنای تفسیری در احادیث اهل بیت<sup>(ع)</sup>»، فصلنامه علوم حدیث، شماره ۳۵ و ۳۶، ص ۲۵۸-۲۷۳.
- [۴]. بحرانی، سیدهاشم (۱۴۱۶ق). *البرهان فی تفسیر القرآن*. تهران: بنیاد بعثت.
- [۵]. برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱ق). *المحاسن*. محقق: جلال‌الدین محدث، قم: دار الکتب الاسلامیه، چاپ دوم.
- [۶]. بروجردی، سید محمد ابراهیم (۱۳۶۶ش). *تفسیر جامع*. تهران: انتشارات صدر، چاپ ششم.
- [۷]. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق). *غررالحکم و درر الکلم*. محقق: سیدمهدی رجائی، قم: دارالکتب الاسلامی، چاپ دوم.
- [۸]. ثقفی تهرانی، محمد (۱۳۹۸ق). *تفسیر روان جاوید*. تهران: انتشارات برهان، چاپ سوم.
- [۹]. جصاص، احمد بن علی (۱۴۰۵ق). *احکام القرآن*. تحقیق: محمدصادق قمحاوی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.
- [۱۰]. جوادی عاملی، عبدالله (۱۳۸۹ش). *تسنیم*. محقق: مجید حیدری فر، حسن جلیل، تهران: مرکز نشر اسراء.
- [۱۱]. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد (۱۳۶۳ش). *تفسیر اثنی عشری*. تهران: انتشارات میقات.
- [۱۲]. رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۳ش). «سبکی نوین در تفسیر روایی روش‌شناسی کتاب التفسیر الاثری الجامع». بیانات، شماره ۴۴، ص ۱۰۸-۱۳۵.
- [۱۳]. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۱۴ق). *الدر المنثور فی تفسیر الماثور*. بیروت: دارالفکر.

- [۱۴]. صادقی تهرانی، محمد (۱۳۶۵ش). *الفرقان*. قم: انتشارات فرهنگ اسلامی، چاپ دوم.
- [۱۵]. طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.
- [۱۶]. عاشور، علی (۱۴۳۱ق). *الجواهر فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار نظیر عبود.
- [۱۷]. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵ق). *نور الثقلین*. قم: انتشارات اسماعیلیان، تحقیق: سیدهاشم رسولی محلاتی.
- [۱۸]. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۳ش). *مبانی و روش‌های تفسیر قرآن*. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ چهارم.
- [۱۹]. العیاشی، محمد بن مسعود السلمی السمرقندی (۱۳۸۰ق). *کتاب التفسیر*. تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، چاپخانه العلمیه.
- [۲۰]. فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۱۵ق). *تفسیر الصافی*. تهران: انتشارات الصدر.
- [۲۱]. قاسمی، محمد جمال الدین (۱۴۱۸ق). *محاسن التأویل*. تحقیق: محمد باسل عیون السود، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- [۲۲]. قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴ش). *الجامع لاحکام القرآن*. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- [۲۳]. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا (۱۳۶۸ش). *کنز الدقائق و بحر الغرائب*. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
- [۲۴]. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ق). *الکافی*. محقق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم.
- [۲۵]. مسعودی، عبدالهادی (۱۳۸۴ش). «تفسیر روایی به روایت دیگر». فصلنامه علوم حدیث، سال دهم، شماره ۱-۲ (پیاپی ۳۶).
- [۲۶]. مظهری، محمد ثناءالله (۱۴۱۲ق). *التفسیر المظهری*. تحقیق: غلام‌نبی تونسلی، پاکستان: مکتبه رشدیّه.
- [۲۷]. معرفت، محمدهادی (۱۳۸۸ش). *التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب*. جلد دوم، قم: تمهید.
- [۲۸]. — (۱۳۹۰ش). *التفسیر الاثری الجامع*. جلد اول، مترجم: جواد ایروانی، قم: تمهید.
- [۲۹]. مهریزی، مهدی (۱۳۸۹ش). «روایات تفسیری شیعه - گونه‌شناسی و حجیت». نشریه علوم حدیث، شماره ۵۵، صفحات ۳-۳۶.
- [۳۰]. موسوی سبزواری، سید عبدالاعلی (۱۴۰۹ق). *مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن* (حمد تا مانده). بیروت: موسسه اهل‌البیت<sup>(ع)</sup>، چاپ دوم.
- [۳۱]. میبیدی، احمد بن محمد (۱۳۷۱ش). *کشف الاسرار و عده الابرار*. تحقیق: علی اصغر حکمت، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ پنجم.



